



آشکارا تقلب می شود و کسی اهمیت نمی دهد



نجفقلی حبیبی*

حوزه‌های فلسفی، ادبی یا مذهبی است. نقدهایی عالمانه، محققانه و از سر اطلاع، نه از سر دشمنی و جاه‌طلبی. کتاب‌سازی در تمامی حوزه‌ها دیده می‌شود. اما آسیب آن در حوزه‌ای مانند تصحیح متون به دلیل تخصصی بودن آن، جدی تر است. به عقیده شما در این حوزه نیز نقد و تربیت منتقدان می‌تواند کارگشا باشد؟

کسانی که آثار تصحیح‌شده را می‌خوانند، کمتر هستند و معمولاً با این موارد برخورد نمی‌کنند. در این حوزه هم باید بابتی برای نقد در مجله‌ها باز شود و بخشی را فقط به این کتاب‌ها اختصاص دهند. در حقیقت باید تمام مجلات پژوهشی و تحقیقی، بابتی را برای نقد کتاب در آن حوزه‌ای که فعالیت می‌کنند، باز کنند.

افرادی که دست به کتاب‌سازی می‌زنند می‌خواهند نانی بخورند یا اگر جایی درس می‌دهند، اعتباری کسب کنند و وقتی واقعیت کارشان افشا شود، دیگر اعتباری برایشان باقی نمی‌ماند. نقد حتی از جلوگیری از انتشار اثر در بازار هم مؤثرتر خواهد بود. زمانی که اهل فکر تأیید می‌کنند که این اثر متعلق به آن نویسنده نیست، تأثیر منفی خواهد گذاشت و مانع انتشار آن خواهد شد.

باید نویسندگانی در حوزه‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی، فلسفه، ادبیات و ... تربیت کنیم که به رصد آثار بپردازند. در گذشته با این که ارتباطات علمی کم بود و متن‌ها دست‌نوشته بودند، از صحت اثر مراقبت می‌کردند، اما ما با این همه امکانات، مراقبت‌ها را کم کرده‌ایم.

به عقیده شما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان نهاد متولی در این موضوع موفق عمل کرده است؟ این

به عقیده شما اصلی‌ترین علل کتاب‌سازی در کشور ما چیست و چرا در حال حاضر گرایش به این موضوع افزایش یافته و برای مقابله با آن چه باید کرد؟

نخستین امر در بحث کتاب‌سازی را باید در منفعت شخصی و اجتماعی افراد دانست. عده‌ای که شرایط لازم را ندارند، آثار دیگران را جعل و مقاله‌دیگری را به نام خود چاپ می‌کنند. عامل دیگر را باید ضعف قوانین دانست؛ متأسفانه مفهوم مالکیت معنوی در اینجا چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فکر و اندیشه هم سرمایه انسان‌هاست. کسی کاری را انجام داده و کسی دیگر بدون زحمت از آن استفاده می‌کند. عامل دیگر کتاب‌سازی را باید در فرصت‌های اجتماعی دید و مزایایی که این تألیفات دارند و افرادی که شرایط لازم را ندارند و می‌خواهند از این فرصت استفاده کنند و بهره اقتصادی ببرند. به نظر شما برای حل این معضل چه باید کرد؟ آیا تنها اجرای قانون می‌تواند از گسترش این مشکل جلوگیری کند؟

تنها راه جلوگیری از آن، نخست عمل به قانون است که متأسفانه قانون حمایت از مؤلفان، در کشور ما جدی نیست. راه دوم نقدهایی است که باید بر کتاب‌ها نوشته شود؛ یعنی از کنار این گونه آثار نباید بسادگی گذشت تا افراد بدانند اگر کتاب‌های این‌چنینی به بازار عرضه کردند، بلافاصله دستگاه نقادی به این امور رسیدگی و واقعیت را افشا می‌کند که مؤلف در این کتاب تقلب کرده و بهترین راه همین نظارت اجتماعی است. به این معنا که عده‌ای محقق و کتاب‌شناس به مسئله مالکیت فکر اهمیت دهند. این موضوع حتی از قانون هم قوی‌تر است. بنابراین بهترین راه حل، گسترش بازار نقد کتاب در

* دانشیار دانشگاه تهران



وزارتخانه برای جلوگیری از کتاب‌سازی چه باید بکند؟

این موضوع به نهادهای حقوقی و قانونی باز می‌گردد و میزان باید تشخیص دهند موضوع تا چه حد اصیل است. در گلوگاه‌هایی که کتاب برای اخذ مجوز ارسال می‌شود، باید مراقبت‌های بیشتری صورت بگیرد؛ برای مثال میزان به این موضوع توجه دارند که کلمه «عشق» در کتاب نباشد، ولی به این مسئله که این قدر آشکارا تقلب می‌شود، هیچ اهمیتی نمی‌دهند و این بازی‌ها در شأن جامعه ما نیست.

برای مثال، بعضی کتاب‌های قدیمی مانند اخلاق ناصری که مرحوم مجتبی مینوی به چاپ رسانده، وقتی مقدمه را می‌خوانی متوجه می‌شوی برای پیدا کردن نسخه‌های خطی و تصحیح متن چقدر زحمت کشیده‌اند بعد شخص دیگری بدون این که نسخه‌بدل‌ها را بیاورد، متن را راحت و بدون مقدمه منتشر می‌کند.

موضوع دیگری که در روزگار ما بسیار شایع شده، «پایان‌نامه‌سازی» است. علل این معضل اجتماعی را چه می‌دانید؟

استاد راهنما و استاد مشاور باید در زمینه پایان‌نامه‌ها مراقبت بیشتری داشته باشند. متأسفانه این مراقبت‌ها صورت نمی‌گیرد و استادان و داوران با توجه به حجم مراجعات، کمتر به پایان‌نامه‌ها توجه می‌کنند. در حال حاضر وجود اینترنت باید کار نظارت را آسان‌تر کند یا کارشناسان ورزیده برای این

موضوع تربیت کنند. باید راه‌هایی در این زمینه یافت، چون این موضوع دارد بشدت در دانشگاه‌ها توسعه پیدا می‌کند. حتی در حال حاضر در اطراف دانشگاه‌ها، اعلامیه‌هایی دیده می‌شود مبنی بر تدوین پایان‌نامه از سوی استادان متخصص و این یعنی علناً می‌گویند پایان‌نامه‌های قلابی می‌نویسیم و عجیب است که وزارت علوم، اینها را نمی‌بینند و هیچ‌کس حرفی نمی‌زند؛ یعنی کسی اهمیتی به مسئله نمی‌دهد.

مهمترین راه برای حل مشکل کتاب‌سازی را نقد کتاب دانستید. اما برای تربیت منتقدان خوب، چه باید کرد؟ در واقع باید جوان‌ترها را راهنمایی کنیم تا زیر نظر استاد متخصص و با حمایت دستگاه‌های متولی کار خود را انجام دهند. در حقیقت اینجا باید در درجه اول برخورد قانونی کرد و سپس هدایت‌گری. باید دست جوانان را گرفت و کمک کرد و برای آنها کلاس‌های آموزشی برگزار کرد.

وظیفه مرکز پژوهشی میراث مکتوب و مراکز فعال برای حل این مشکل چیست؟

مرکز پژوهشی میراث مکتوب باید افرادی را تربیت کند که این کارها را رصد و نسخه‌های اصلی را بررسی کنند. بعضی اوقات نقدهایی را که نوشته می‌شود، در مجلاتی مانند آینه میراث نقد می‌کنند و این خیلی سودمند است.

■

